

مقدمه

جوامع بشری به منظور تضمین ارزش های اساسی و مشترک اجتماعی و پاسداری از نظم و امنیت ، قواعد و مقرراتی را پدید می آورند تا در سایه آنها با آرامش خاطر بیشتر به زندگی خود ادامه دهند . حفظ این ارزش ها همواره یکی از دغدغه های اصلی جوامع بشری بوده است ، به منظور پایان دادن و یا لاقط کاهش این دغدغه ها و مقابله با قانون شکنان نهادی به نام پلیس ایجاد شده است.

پلیس عبارت است از مأموران اجرای قانون که در سطح مرزهای داخلی کشور مأموریت برقراری، حفظ و ارتقای نظم و امنیت کشور را بر عهده دارند. پلیس در جوامع اولیه نیز وجود داشته و با نام های مختلفی از جمله شحنه، شرطه، عسس، محتسب، داروغه، گزمه خوانده می شده است.

مأموریت اصلی پلیس حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه می باشد که یکی از نیازهای اصلی هر جامعه می باشد. از سوی در جامعه افرادی هستند که با اعمال ناهنجار خود نظم و امنیت عمومی جامعه را بر هم می زنند ، لذا برای برقراری نظم و امنیت پلیس باید دارای اختیاراتی باشد . نکته قابل توجهی که می توان به آن اشاره کرد این است که در بعضی مواقع پلیس در راستای انجام وظیف خود با استفاده از این اختیارات حقوق شهروندی را نقض می کند حقوقی که خود باید نگهبان آن باشد که توسط افراد نابهنجار مورد تعرض قرار می گیرند.

در این پایان نامه ، ما بر آن بوده ایم تا در بخش اول ، تحولات تاریخی و مفاهیم نظری پلیس و حقوق شهروندی و همچنین شناساندن ضابطین مورد بررسی قرار دهیم که کلیات پروژه حاضر می باشد.

در بخش دوم که عمده کار ما در گرد آوری این پایان نامه می باشد به ضرورت وجودی ضابطین ، تعریفی از جرایم مشهود و غیر مشهود پرداخته ایم و در ادامه به مرحله های کشف جرم یعنی مرحله بعد از وقوع جرم و تحقیقات مقدماتی که در این مراحل است که امکان دارد حقوق شهروندی از سوی پلیس نقض شود مورد اشاره قرار گرفته است.

۱- بیان مساله

پلیس، سازمانی دولتی است که به نیابت از دولت و بر طبق قانون و در حدود وظایف و اختیارات محوله قانونی، به اعمال و اجرای قانون (به ویژه قانون کیفری) می پردازد. بنابراین ماموریت پلیس در جامعه، اجرای قوانین است و هدف از اجرای قانون، برقراری نظم و امنیت در جامعه و حفظ آن به طور دائم است. حفظ و بقای امنیت در جامعه، مساله ای است که پس از رفع مایحتاج اولیه برای حیات انسانی، در درجه اول اهمیت قرار دارد. از طرفی همواره اشخاصی در همه جوامع وجود دارند که با رفتارهای نامعقول و ناهنجار خود سعی در برهم زدن نظم و امنیت عمومی جامعه دارند. برقراری نظم و امنیت نیز مستلزم اعطای اختیاراتی است که ممکن است سایر شهروندان یا سازمان ها صلاحیت داشتن آن را نداشته باشند. از این رو پلیس برای برقراری و حفظ نظم و امنیت دارای اختیارات ویژه ای مانند تجهیز به سلاح گرم و اجازه استفاده از آن، اختیار استفاده از قوای قهریه در موارد لزوم، اجازه سلب آزادی از بزهکاران مطابق قانون و ... است. اما مساله مهمی که باقی می ماند این است که گاهی اختیارات پلیس، خود منجر به پیدایش خطرات و آسیب هایی است که می توانند نظم و یا امنیت را برهم زند. بنابراین ممکن است پلیس در راستای برقراری نظم و امنیت (که هدف و ماموریت ذاتی اوست) خود باعث اغتشاش و اختلال در نظم جامعه شود. از این رو، اعطای چنین اختیاراتی به سازمان های پلیسی باید در پرتو قوانین محدود و صریحی باشد که بقای نظم و امنیت جامعه در گرو تدوین صحیح آن ها است.

۲- سوالات موضوع مورد تحقیق

- ۱- آیا ضابطین در جریان دستگیری حقوق متهمین را رعایت می کنند؟
- ۲- آیا ضابطین در مرحله تحت نظری حقوق متهمین را رعایت می کنند؟
- ۳- آیا ضابطین در جریان بازجویی حقوق متهمین را رعایت می کنند؟
- ۴- آیا ضابطین در مرحله احضار حقوق شهروندی را رعایت می کنند؟
- ۵- آیا ضابطین در جریان اجرای حکم جلب حقوق شهروندی را رعایت می کنند؟
- ۶- آیا ضابطین در مرحله تحقیقات و معاینه محلی حقوق شهروندی را رعایت می کنند؟
- ۷- آیا ضابطین حقوق شهروندی را در خصوص شاکی را رعایت می کنند؟

۳- فرضیات موضوع مورد تحقیق

- ۱- ضابطین در جریان دستگیری حقوق متهمین را رعایت می کنند.
- ۲- ضابطین در مرحله تحت نظری حقوق متهمین را رعایت می کنند.
- ۳- ضابطین در جریان بازجویی حقوق متهمین را رعایت می کنند.
- ۴- ضابطین در مرحله احضار حقوق شهروندی را رعایت می کنند.
- ۵- ضابطین در جریان اجرای حکم جلب حقوق شهروندی را رعایت می کنند.
- ۶- ضابطین در مرحله تحقیقات و معاینه محلی حقوق شهروندی را رعایت می کنند.
- ۷- ضابطین حقوق شهروندی را در خصوص شاکی را رعایت می کنند.

۴- روش شناسی تحقیق

در این تحقیق با توجه به اینکه نگارنده از پرسنل نیروی انتظامی استان زنجان می باشد محدوده مطالعاتی را استان زنجان به خصوص شهرستان زنجان انتخاب شده است. جامعه آماری ۵۰ نفر از پرسنل نیروی انتظامی، ۵۰ نفر از شهروندانی که به نوعی به کلاتتری مراجعه نموده یا در حال پیگیری پرونده های خویش بودند و ۵۰ نفر از متهمینی که در کلاتتری ها دستگیر، جلب یا احضار شده بودند و دارای پرونده قضایی بودند، می باشد که به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. در پایان نامه حاضر از روش توصیفی برای بیان الزاماتی که پلیس باید رعایت نماید استفاده شده است و برای ارزیابی از تکنیک جمع آموری اطلاعات بوسیله پرسشنامه استفاده شده است. برای استخراج عملکرد از جوابهای به دست آمده از طریق پرسشنامه از نرم افزار **spss** استفاده شده است.

۵- اهداف تحقیق

هدف و منظور اصلی این تحقیق، تبیین بایسته ها و الزاماتی است که پلیس در مقام ضابط دادگستری (در راستای انجام وظایف محوله پس از وقوع جرم) ملزم به رعایت آن ها است، و همچنین ارزیابی عملکرد این نهاد در یکی از شهرهای کشورمان یعنی زنجان می باشد.

با توجه به تصویب ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در چندی پیش (سال ۱۳۸۳) از یکسو و حرفه ای و تخصصی تر شدن ماموریت های پلیس در سالیان اخیر و توجه و ملاحظه مستمر و دقیق مقامات و مسئولین مملکتی در این زمینه، لازم به نظر می رسد که تحقیق جامعی از حیث بررسی حدود وظایف و اختیارات پلیس، تجمیع

و تطبیق آن با موازین حقوق شهروندی (مذکور در ماده واحده مذکور) و الزامات حقوق بشری (مذکور در اسناد مختلف بین المللی) انجام شود. بنابراین ضرورت انجام این تحقیق در اینجاست که در آن، تقریباً همه موازین حقوق بشر که پلیس به نوعی با آن مرتبط بوده و در تحقق یا تضییع آن نقش دارد، ذکر شده و به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته اند. این الزامات نسبت به متهم از یکسو و شاکی (که با عنوان بزهدیده خوانده شده است) از سوی دیگر بیان شده اند، در پایان نیز از حقوق سایر اشخاص دخیل در امر کیفری مانند شاهد و مطلع سخن گفته ایم. تدوین این مجموعه با توجه به ویژگی های مذکور (از جمله تجمیع حقوق و الزامات حقوق بشری متهم، شاکی، شاهد و مطلع در یک جا) ضرورت انجام آن را کاملاً محسوس می کند.

۶- پیشینه موضوع مورد تحقیق

در خصوص عملکرد پلیس و رعایت حقوق شهروندی، ممکن است با همین عنوان، تحقیق جامع و مانعی در شهر زنجان صورت نگرفته باشد، اما در سالهای گذشته کتاب ها و به ویژه پایان نامه هایی با موضوعات مشابه از جمله تعدیات و تقصیرات ماموران نیروی انتظامی در حین انجام وظیفه و... صورت گرفته است. از سوی دیگر در کتب اساتید ارجمندی همچون دکتر محمود آخوندی، دکتر محمد آشوری و دیگر اساتید محترم، بسته به موضوع یا عنوان، شاهد تلاش های بی نظیری بوده ایم. از جمله کتبی که به نوعی با موضوع پایان نامه حاضر مرتبط هستند عبارت است از: آیین دادرسی کیفری تألیف دکتر محمود آخوندی در ۶ جلد و آیین دادرسی کیفری تألیف دکتر محمد آشوری در ۲ جلد و ...

۷- محدودیت های تحقیق و کاربرد نتایج آن

منابع در این زمینه بسیار اندک اند و بیشتر منابع موجود بر مبنای تجربه عملی نگارنده آن، نگاشته و تألیف شده اند. از سوی دیگر، کمبود آمارهای رسمی و قابل انتشار، برای بررسی دقیق تر موضوع از دیگر محدودیت های این تحقیق به شمار می روند.

بدون تردید، هر فعالیت، تحقیق و پژوهش علمی، خالی از اشکال و نقص نیست. این تحقیق نیز قطعاً دارای همین ویژگی هست. چرا که هر تحقیق با توجه به میزان تسلط نگارنده و با تکیه بر منابع، مراجع، و امکانات کتابخانه ای و میدانی موجود نگاشته می شود. اما در مجموع،

نگارنده سطور حاضر معتقد است که با مد نظر قراردادان بخشی از فعالیت های پلیس و تطبیق و مقارنه آن با بخشی از حقوق شهروندی (مرتبط با وظیفه پلیس) پژوهش حاضر را تهیه کرده است. از این رو به نظر می رسد که علاوه بر مجامع دانشگاهی و پژوهشگاهی، سازمان های اجرایی مانند پلیس و سایر سازمان هایی که حسب وظیفه، به نوعی ضابط دادگستری محسوب شده و در حفظ امنیت کشور سهیم هستند، از کاربران اصلی این پژوهش محسوب می شوند.

بخش اول :
تحوالات و مفاهیم نظری
پلیس و
حقوق شهروندی

این بخش بیانگر کلیات پژوهش حاضر است. بنابراین در این بخش از یک سو در صدیم که با در نظر گرفتن مفاهیم نظری پلیس و سازمان آن، شرح وظایف، حدود اختیارات و مأموریت ها و ... با توجه به قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ و همچنین سیر تحول تاریخی ضابطین دادگستری، پلیس ایران را معرفی کنیم. از سوی دیگر، در همین بخش و در فصل دوم آن، به تبیین و توضیح تاریخچه شهروندی و حقوق شهروندی، مفاهیم نظری آن و ... پرداخته شده است.

در فصل اول بخش اول این پایان نامه، به سیر تاریخی تحول ضابطین دادگستری و معرفی دقیق و مفصل مفهوم پلیس، حدود وظایف و اختیارات او پرداخته شده است. در ایران تا ورود کنت دو مونت فورت، پلیس نظام مند به معنی مترقی امروزی وجود نداشته است. سپس حدود وظایف و اختیارات پلیس، صرفاً با توجه و تکیه بر قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ و قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸، قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و برخی قوانین مرتبط دیگر مشخص می شود. بنابراین، اعطای اختیارات و تعیین حدود وظایف، صرفاً از طریق نص صریح قانون صورت می پذیرد

در فصل دوم بخش اول، به تفصیل، حقوق شهروندی، مفاهیم و ارکان آن توضیح داده شده است. البته دامنه حقوق شهروندی بسیار وسیع است اما در این فصل، تاکید ما بیشتر بر جنبه هایی از حقوق شهروندی بوده که در صورت عملکرد سوء پلیس، تضییع می شوند. در وضعیت فعلی ایران، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، بسیاری از مصادیق و موازین حقوق شهروندی ذکر شده است.

فصل اول: پلیس، تحولات و مفاهیم

پلیس از جمله سازمان های دولتی است که عمده مسئولیت آن، حفظ و برقراری نظم و امنیت عمومی جامعه است. پلیس، واژه ای فرانسوی است که در ایران امروز، از آن با عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران یاد می شود. در این فصل بر آنیم که با توصیف سیر تحول تاریخی ضابطین (پلیس)، و تعاریفی از این سازمان ارائه و ساختار فعلی آن و حدود اختیارات و وظایف آن را با توجه به قانون نیروی انتظامی، را توضیح دهیم

مبحث اول : سیر تحول تاریخی ضابطین دادگستری (پلیس) در ایران

تاریخچه پلیس را باید از زمانی که وجود نظم و امنیت و استقرار عدل اهمیت پیدا کرد جستجو نمود و از همین زمان وجود سازمانی برای برقراری عدالت و مبارزه با تعدی و تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی انسانها ضرورت پیدا کرد. به طور کلی در کشور ایران همواره مفهوم پلیس با عنوان ضابطین مترادف بوده و از دوران باستان تا کنون با عناوین مختلف، بازرسان، چشمو گوش شاه، شحنة، شرطه، عسس، محتسب، داروغه، گزمه، پاکار، میرشب، نظمیه، شهربانی و ژاندارمری، وظیفه برقراری نظم و امنیت، عدالت و اجرای احکام را بر عهده داشتند. در ایران تا پیش از سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا اثری از سازمانی به نام اداره امور پلیس و نظمیه نبود و کلا نتر تهران که امور انتظامی پایتخت یا دارالخلافه را بر عهده داشت، عده ای فراش به خدمت گرفته بود که وظایف امنیتی و انتظامی، احضار و جلب، متهمین و مظنونین و بزهکاران و اهل فسق و فساد و زندانی کردن و حتی مجازات آنها را اجرا می کردند و وظیفه گزمه و محتسب را به صورت مشترک انجام می دادند.^۱

اندیشه تأسیس تشکیلات منظم نظمیه (شهربانی) را به شیوه کشورهای اروپایی می توان از زمان سلطنت ناصرالدین شاه پی گرفت که پس از سفرهای خود به کشورهای اروپایی و مشاهده پلیس نوین آن کشورها با استخدام یک مستشار بلژیکی به نام کنت دوبینو اولین سیستم پلیسی جدید را در ایران پایه گذاری نمود. همانطور که اشاره شد قبل از تأسیس نظمیه توسط ناصرالدین شاه امور پلیس شهر را قراول ها انجام می دادند و پاسگاه آنها را قراول خانه می گفتند که در آن زمان حدود چهل قراول خانه در تهران وجود داشت.

در پی درخواست درخواست ناصرالدین شاه از دولت اتریش کنت دمونت نورت به عنوان کارشناس امور پلیس به ایران آمد و اعلام کرد با ۴۰۰ پلیس پیاده و ۶۰ پلیس سواره می تواند امنیت تهران را تأمین نماید. پس از تدارک مقدمات روز ۱۶ ذیقعدة ۱۲۹۵ هجری قمری برابر با ۲۰ آبان ۱۲۵۷ هجری شمسی اولین تابلوی پلیس تهران با عنوان «اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه» نصب و با شرکت ناصرالدین شاه افتتاح و رسمیت یافت و مردم با واژه پلیس آشنا شدند. کنت برای حفظ نظم و امنیت تهران مقرراتی وضع کرد که به کتابچه قانون کنت معروف

۱- شهنازی، مهدی، راهنمای افسران تحقیق، معاونت آموزش ناجا، ص ۱۰، ۱۳۸۵

گردید. چندی بعد اداره پلیس تهران به صورت وزارت نظمی درآمد و بر مبنای مقرر تمصوبی با شدت و قدرت کامل در حفظ امنیت شهر می کوشید و در برابر خلافکاران فوق العده سختگیری نشان می داد. بعد از مشروطیت، پیرمخان ارمنی به ریاست نظمیته تهران برگزیده شد.

پیرم خان پلیس های سوار مخصوص گشت شبانه و دستجات پیاده پلیس برای مراقبت از نقاط مهم پایتخت به وجود آورد و کلانتری ها را از خانه کدخدا به مراکز مشخصی به نام «کمیساریا» انتقال و عمارت میدان توپخانه را به محل جدید نظمیته اختصاص داد.

در سال ۱۲۹۱ تشکیلات جدید نظمیته توسط وستداهل^۱ مستشار سوئدی معرفی شد. وستداهل به همراه مشاوران خود تهران را از نظر انتظامی به ده ناحیه تقسیم بندی و در هر ناحیه یک کلانتری که آن روزها کمیساریا نامیده می شد تشکیل داد. شکل و درجات پلیس هم طبق آیین نامه تنظیمی وستداهل سوئدی تهیه و مورد استفاده قرار می گرفت و در نظام نامه ای که تدوین کردند وظیفه تحقیقات جنایی پلیس را به عهده یکی از سازمان های تابعه نظمیته به نام «پلیس تأمینات» واگذار نمودند و وظیفه جلوگیری از وقوع جرایم، کشف جرم، تحقیق، دستگیری و توقیف مجرمان و ارسال پرونده ها و اعزام متهمان به عدلیه را بر عهده این تشکیلات گذاشتند.

در سال ۱۲۹۰ هجری قمری «قوانین موقتی محاکمات جزایی که بعد ها تحت عنوان آیین دادرسی کیفری ملاک عمل قرار گرفت، تصویب شد و با تصویب این قانون وظایف قضایی پلیس به عنوان ضابط دادگستری به صورت مدون ابلاغ گردید.

در آغاز دوران پهلوی نیز وظایف پلیس همان وظایفی بود که سوئدی ها تهیه کرده بودند و بخش مهمی از آن وارد قانون تشکیلات ایالات و ولایات شده بود و در ادامه نظام نامه کل تشکیلات نظمیته به تصویب رسیده و علاوه بر افزایش تعداد کمیساریاها در تهران، ادارات شهربانی در مرکز استان ها و شهرستان ها نیز تشکیل و تحت تابعیت مرکز راه اندازی شدند.

در مناطق برون شهری نیز انجام این وظایف بر عهده ژاندارمری گذاشته شده بود و با این ترتیب پلیس ایران برای مدتهای طولانی از دو قسمت مهم پلیس شهری و مرزی و برون شهری

1-vestedahal

تشکیل شده بود. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، کمیته انقلاب اسلامی به عنوان اولین نهاد انتظامی قضایی تأسیس شد و در جهت دفاع از ارزشهای انقلاب، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با منکرات و... انجام وظیفه می نمود. سپس سازمان پلیس قضایی در سال ۱۳۵۹ تشکیل و عهده دار امور ابلاغ و اجرای اوراق دادگستری گردید.

در سال ۱۳۶۹ با تصویب قانون نیروی انتظامی، کلیه نیروهای سابق اعم از شهربانی، کمیته، ژاندارمری و پلیس قضایی ادغام و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل گردید که وظایف قضایی این نیرو در شقوق بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا احصا گردید و هم اکنون بر اساس وظایف پیش بینی شده و تکالیف و اختیارات مندرج در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب انجام وظیفه می نماید^۱.

مبحث دوم: تعریف پلیس، تقسیمات، حدود اختیارات و وظایف آن

مفهوم و محتوای واژه «پلیس» آنقدر به اذهان همه مردم در گوشه و کنار دنیا آشناست که هر فرد فارغ از تعریف دقیق؛ علمی و یا دانستن حوزه دقیق عملکرد او، با شنیدن نام آن، به یاد برقراری نظم و امنیت، دستگیری بزهکاران، کاهش ترافیک و... می افتد. اما در این رهگذر تبیین مفهوم و معنای دقیق پلیس لازم به نظر می رسد.

گفتار اول: تعریف پلیس

در بررسی فرهنگ لغات بویژه فرهنگ های معتبر فارسی، واژه پلیس مترادف با کلماتی نظیر نظم، پاسبان، شهربانی، آژان، کلانتر، ژاندارم و... آمده که اکثر این واژه ها در گذر زمان و طول تاریخ اهمیت خود را از دست داده اند. در مهم ترین موارد واژه پلیس اینگونه تعریف شده است:

- سازمانی در داخل کشور که متصدی حفظ نظم و مال افراد است^۲.
- حفظ نظم و آرامش کشور را نمودن^۳.

۱ - شهنازی، مهدی، پیشین ص ۱۱

۲ - معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول آ.خ، چاپ نهم، انتشارات سپهر ص ۱۲۰، ۱۳۷۵

۳ - آریانپور کاشانی، عباس و منوچهر، فرهنگ انگلیسی و فارسی، انتشارات سپهر، چاپ هفتم، ص ۵۶۷، ۱۳۷۰

• سپاهی که نگهبان شهری است.^۱

• اداره شهربانی.^۲

دکتر ولی ... انصاری واژه پلیس را بر گرفته از واژه یونانی **politia** دانسته و آن را با کلمه **politique** به معنای سیاست، حکومت مدنیّت، شهرنشینی و نظارت نزدیک و احتمالاً هم ریشه می داند. به اعتقاد وی پلیس در مفهوم امروزی آن در درجه اول یک سازمان دولتی یا محلی است که مسئول حفظ نظم، امنیت، آسایش و آرامش عمومی و متصدی حراست از جان و مال و حیثیت اشخاص می باشد و در درجه دوم، بازرسی و کشف جرایم، جمع آوری دلایل، دستگیری متهمان و مجرمان و سرانجام اجرای احکام کیفری را بر عهده دارد.^۳ به اعتقاد دکتر کی نیا پلیس عبارت است از یک سازمان دولتی که مأموریتش حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از تخطی، تأمین نظم عمومی و حفظ جان و ناموس اشخاص است.

پلیس در فرهنگ لغات عبارت از سازمانی است در داخل کشور برای حفظ نظم، جان و مال افراد؛ فارلیک می گوید: «پلیس عبارت است از یک سازمان دولتی که مأموریتش حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از تخطی و تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال اشخاص است.» صاحب ترمینولوژی حقوق نیز پلیس را بدین شکل تعریف کرده اند:

«الف) مجموعه قواعدی که دولت بر جامعه به منظور نظم و آرامش و امنیت کشور تحمیل می کند.

ب) در اصطلاح فارسی از این کلمه معنی پاسبان را می فهمند.

ج) در اصطلاحات حقوق اداری اوایل مشروطه از حیث امور نظمیه شهر را به چند محله و هر محله را به چند گذر تقسیم می کردند و اداره محله به عهده یک عضو نظمیه بود که او را کدخدای محله می نامیدند و اداره گذر هم به عهده یک عضو نظمیه بود که او را نایب می خواندند. نظمیه

گذر دارای اعضای بود بنام دهباشی و پلیس و گزومه که هر یک از اینها را تابین نظمیه می گفتند و نایب گذر رئیس تابین های مذکور بوده، تابین ها لباس متحدالشکل به تعیین وزارت کشور و اسلحه داشتند.»^۱

۱- داعی الاسلام، سید محمدعلی، فرهنگ نظام فارسی، چاپ دانش ص ۱۱۲.

۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۴، صص ۱۲۸ و ۶۲۸

اساتید فرانسوی؛ استفانی و ژرژ لواسور نیز با تقسیم مفهوم پلیسی به سه مدخل، آنرا این گونه بیان نموده‌اند:

الف) مجموعه مقرراتی که به وسیله مقامات عمومی وضع و بر افراد تحمیل می‌شود،

ب) وضع و اجرای مقرراتی که هدفش تأمین آسایش، امنیت، بهداشت عمومی است،

ج) گروهی از کارکنان دولتی که مقررات مربوط به آرامش و امنیت و بهداشت عمومی که به وسیله مقامات صلاحیت‌دار پلیسی اتخاذ گردیده و به مورد اجراء می‌گذارند.^۱

در مجموع، کلمه پلیس به دو معنی آمده است: یکی، معنی خاص و محدود که به مجموع مأموران، مقامات و سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که در جامعه عهده‌دار حفظ نظم عمومی‌اند؛ دیگری معنی عام و آن به مجموع اعمال و اقداماتی اطلاق می‌شود که از طرف مقامات عمومی، به منظور حفظ نظم عمومی بر اعمال کلیه افراد تحمیل می‌شود و آزادی آن‌ها را محدود می‌کند. در این معنی، کلمه پلیس همواره مترادف محدودیت و انتظامات به کار می‌رود. بنابراین، معنای عام پلیس عموماً به مأمورینی اطلاق می‌شود که صلاحیت وضع مقررات انتظامی و یا صدور دستورهای لازم‌الاجراء با آن‌هاست؛ به عبارت دیگر حق اتخاذ تصمیم دارند؛ اما معنای خاص پلیس ناظر به عملکرد مأمورینی است که مجری مقررات و یا دستورات انتظامی‌ای هستند که از طرف مقامات پلیس صادر گردیده است. برای مثال شهردار، فرماندار، استاندار و وزیر کشور؛ پلیس در مفهوم عام (مقامات پلیس) هستند و مأموران انتظامی (ژاندارم‌ها و پاسبان‌ها و کلانتران، بازرسان اداره آگاهی و سایر ادارات)، پلیس در مفهوم خاص (مأموران پلیس) محسوب می‌شوند.^۲

ناگفته پیداست که منظور ما از به کاربردن واژه پلیس در این پژوهش، مأموران پلیس (پلیس در مفهوم خاص) یعنی مأموران مجری قانون است. با این اوصاف، منظور از پلیس، مأمورانی است که مأموریت برقراری، حفظ و ارتقاء نظم و امنیت را در سطح کشور بر عهده دارند. در این مجال، نگاه مختصری به یکی از اسناد بین‌المللی برای تعریف پلیس، مفید به نظر می‌رسد؛ مطابق بند الف و ب شرح ماده ۱ نظام‌نامه رفتاری مأموران اجرای قانون، طی قطعنامه شماره ۳۴/۱۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحده مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، واژه مأموران اجرای قانون، شامل تمامی مأموران قانون است، خواه منتخب یا منصوب که اختیارات پلیس، خصوصاً

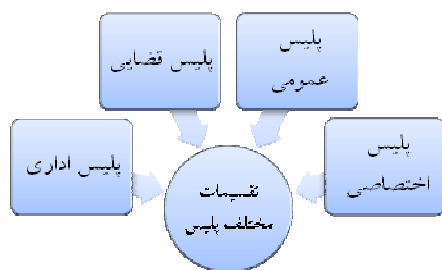
۱- استفانی و لواسور؛ به نقل از: دکتر انصاری، ولی... حقوق تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۳، ص ۲۲

۲- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۴، صص ۲۲۰ و ۲۲۶

قدرت دستگیری و بازداشت را اعمال می‌کنند. در کشورهایی که اختیارات پلیس به وسیله نیروهای نظامی چه با یونیفرم یا بدون یونیفرم یا توسط نیروهای امنیتی دولت اعمال می‌شود، تعریف مأموران اجرای قانون، شامل این قبیل اشخاص نیز خواهد بود.^۱ با درک معنی و مفهوم دقیق پلیس، نوبت به تبیین رسالت پلیس از نظر عرفی، همگام با قوانین و مقررات داخلی کشور می‌رسد.

گفتار دوم: تقسیمات مختلف پلیس

مأموران پلیس را بر حسب وظایف، مأموریت‌ها و تخصص‌های مربوط به اقسام زیر می‌توان تقسیم کرد:



تقسیمات مختلف پلیس در ایران

الف) پلیس اداری و پلیس قضایی:

۱- پلیس اداری: در شاخه پلیس اداری همه وظایف اداری و خدماتی قابل پیش بینی است؛ یعنی بسیاری از بندهای ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در داخل آن جای می‌گیرد. یکی از مهمترین وظایف پلیس اداری، جلوگیری از وقوع جرم است که این امور را می‌توان با تمهیداتی که به کار گرفته می‌شود جامع عمل پوشاند.

کلیه اقداماتی که به منظور جلوگیری از وقوع جرایم، بی‌نظمی‌ها و اغتشاشات به عمل می‌آید، در حیطه وظایف این شاخه از پلیس جای می‌گیرد.

۲- پلیس قضایی: کلیه اقداماتی که بعد از وقوع جرم صورت می‌گیرد؛ از قبیل کشف جرم، جمع‌آوری دلایل و دستگیری متهم و مجرم به عهده پلیس قضایی می‌باشد. مهمترین

1- Code of Conduct for Law Enforcement Officials)General Assembly Resolution 34/169 of 17 December 1979.

وظایف کارکنان نیروی انتظامی در قالب پلیس قضایی متجلی می گردد؛ یعنی وقتی جرمی واقع شد، کلیه اقداماتی که در قالب چهار بند زیر به مورد اجرا در می آید:

۱- حفظ آلات و ادوات جرم و آثار و علایم آن

۲- جلوگیری از فرار و اختفای متهم

۳- انجام هر گونه تحقیق برای کشف جرم

۴- هر گونه اقدامی که مانع از تبانی شهود گردد.

غالباً عملیات پلیس اداری، پلیس قضایی با همدیگر دارای مرز مشترک می باشند؛ مثلاً کارکنانی که در امور انتظامی مشغول به خدمت می باشند؛ در هنگامی که به گشت زنی در حوزه استحفاظی می پردازند، کار پلیس اداری را انجام می دهند. وقتی که با وقوع جرمی مواجه می گردند، کار پلیس قضایی آنها خود به خود شروع می شود، یعنی ماهیت وظیفه آنان از پلیس اداری به پلیس قضایی تبدیل می گردد. به همین دلیل هنگامی که پلیس، وظایف اداری را انجام می دهد، عملش دفع جرم است، ولی وقتی پلیس وظیفه قضایی را انجام می دهد، عملش رفع جرم می باشد. وظایف دوگانه پلیس (اداری و قضایی) سبب انفکاک آنها از همدیگر نیست، بلکه وظایف مزبور نشانگر پیوستگی آنهاست و معرف این است که آنها لازم و ملزوم یکدیگر هستند. در تعریف پلیس اداری و قضایی گفته اند: «وظیفه پلیس قضایی وقتی آغاز می شود که وظیفه پلیس اداری پایان یافته باشد.»^۱

به طور خلاصه می توان وجوه افتراق پلیس اداری و پلیس قضایی را به شرح ذیل بیان کرد:

۱- پلیس اداری موظف است از عوامل مخل نظم عمومی پیشگیری کند، این وظیفه از وظایف سنتی و مهم دولت به شمار می رود، در حالی که پلیس قضایی سعی دارد اخلاص کنندگان نظم عمومی را تعقیب نماید.

۲- پلیس اداری ماهیتاً یک امر تأمینی است که از لحاظ هدف و مکانیسم اجرا با پلیس قضایی متفاوت است.

۳- پلیس اداری می کوشد تا با اتخاذ تدابیر امنیتی و اقدامات تأمینی از وقوع جرایم جلوگیری نماید، در صورتی که پلیس قضایی، عهده دار کشف جرم و تعقیب جرم، تحقیق و تسلیم

۱- انصاری، دکتر ولی ا...، حقوق تحقیقات جنایی، تهران، دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) چاپ اول ۱۳۵۷ ص ۳۲.

مجرمین به دادگاه صالح می باشد.

۴- وظیفه پلیس اداری مربوط به زمان پیش از وقوع جرم و وظیفه پلیس قضایی مربوط به دوران بعد از وقوع جرم است.^۱

۵- سرپرستی پلیس اداری توسط مقامهای اداری و اداره پلیس قضایی به وسیله مقام های قضایی صورت می گیرد.

ب) پلیس اختصاصی و پلیس عمومی:

در این تقسیم بندی افراد پلیس به اعتبار هدف، تخصص و وظایف به دو گروه کلی پلیس اختصاصی و پلیس عمومی تقسیم می شوند:

۱- پلیس اختصاصی:

شامل موارد ذیل می باشد:

الف: پلیس مبارزه با مواد مخدر متولی انجام مأموریت مذکور در شق الف بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.^۲

ب: پلیس قاچاق کالا متولی انجام مأموریت مذکور در شق ب بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

ج: پلیس اطلاعات و امنیت عمومی متولی انجام مأموریت مذکور در شق ج بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

۲- **پلیس عمومی:** کلانتری ها و پاسگاهها در بین مراجع انتظامی به عنوان مهمترین مراجع انتظامی به شمار می روند و صلاحیت دارند برابر مقررات در خصوص انجام کلیه وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی است، اقدامات مورد نیاز را معمول دارند. گفتنی است این مرجع انتظامی صلاحیت اقدام در خصوص کلیه جرایم را دارد به استثنای

۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۰، صص ۱۵-۱۴.

۲- بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ مقرر می دارد:

انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل: الف: مبارزه با مواد مخدر ب: مبارزه با قاچاق ج: مبارزه با منکرات و فساد و

جرایمی که طبق قانون خاص، صلاحیت اقدام آن به عهده مرجع دیگری محول گردیده است. به عنوان مثال، اقدام در خصوص جرایم مربوط به مواد مخدر، قاچاق کالا و جرایم منکراتی در صلاحیت مراجع اختصاصی پیش بینی شده در پلیس می باشد. البته این بدان معنی نیست که مرجع انتظامی عمومی یعنی کلانتری ها و پاسگاهها نباید در خصوص این مأموریت ها مداخله نمایند، بلکه این مراجع در سطح حوزه استحفاظی خود در صورت برخورد با چنین جرایمی باید اقدامات قانونی را انجام دهد و بلافاصله مراتب را جهت اقدامات نهایی به مراجع انتظامی اختصاصی تحویل نمایند.

ضمناً مأموریت های شش گانه در شقوق «د، ه، و، ز، ح، ط بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹»^۱ از جمله مأموریت هایی هستند که به تناسب نوع جرم واقع شده، در صلاحیت کلیه مراجع انتظامی اختصاصی و عمومی مذکور در بندهای ۱، ۲، ۴ فوق می باشند و هر یک از این مراجع در صورت نیاز به تناسب نوع جرایم واقع شده در راستای انجام وظایف قانونی می توانند عهده دار این مأموریت ها باشند و این مأموریت های شش گانه مختص مرجع انتظامی خاصی نیست.

گفتار سوم: حدود وظایف و اختیارات پلیس:

مطابق ماده ۲ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور»، تبصره ماده مزبور مقرر می دارد، «فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از طرف فرمانده کل قوا منصوب می گردد»، البته بنابر ماده ۱۰ قانون مزبور «اختیارات فرماندهی کل قوا محدود به موارد مصرحه در این قانون نمی باشد»، همین طور بنابر ماده ۵ قانون یاد شده، دو سازمان دیگر در کنار نیروی انتظامی مشغول به خدمت هستند، این ماده مقرر می دارد:

۱- بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ مقرر می دارد: انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل: الف: مبارزه با مواد مخدر ب: مبارزه با قاچاق ج: مبارزه با منکرات و فساد د: پیشگیری از وقوع جرم ه: کشف جرم و بازرسی و تحقیق ز: حفظ آثار و دلایل جرم ح: دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها ط: اجرا و ابلاغ احکام قضائی

«در اجرای بندهای ۲۵ و ۲۶ ماده ۴ این قانون، سازمان‌هایی با سلسله مراتب مستقل و متمرکز به ترتیب بنام «سازمان حفاظت اطلاعات» و «سازمان عقیدتی سیاسی» از ادغام سازمان‌های مشابه موجود در نیروی انتظامی تشکیل می‌شوند. همین‌طور بندهای ۲۵ و ۲۶ ماده ۴ که در ماده ۵ به آن‌ها اشاره شده و از وظایف نیروی انتظامی است به ترتیب مقرر می‌دارند:

«تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی» و «تلاش مداوم و مستمر در جهت حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در نیروهای انتظامی». بر اساس تبصره ۱ ماده ۵ «این سازمان‌ها وظایف و مأموریت‌های سازمان‌های همنام خود را بر اساس قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران عهده‌دار خواهند بود» و تبصره ۲ همین ماده مقرر می‌دارد «رؤسای سازمان‌های عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات از سوی مقام فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب می‌گردند». تبیین شرح وظایف و حدود اختیارات سازمان‌های عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات (که براساس قانون ارتش است) از محدوده پژوهش حاضر خارج است و از این رو به ارائه همین مقدار اطلاعات راجع به دو سازمان مذکور اکتفا می‌شود.

وظایف کلی نیروی انتظامی همانطور که در قسمت قبل نیز بیان شد در ماده ۳ قانون موصوف درج شده‌اند، برابر ماده یاد شده: «هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است». این قانون در ادامه ماده ۳ و در راستای تبیین چارچوب کاری و عملیاتی نیروهای انتظامی، در ماده ۴ با برشمردن ۲۶ بند به تبیین حدود وظایف و اختیارات این نیرو می‌پردازد. بنابر ماده ۴ قانون موصوف:

«ماده ۴- مأموریت و وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

۱- استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی.

۲- مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات.
تبصره- کیفیت و نحوه همکاری را شورای امنیت کشور تعیین می‌کند.

۳- تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیمایی‌ها، و فعالیت‌های قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هرگونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیر مجاز و مقابله با اغتشاش، بی‌نظمی و فعالیت‌های غیرمجاز.

۴- اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمان‌ها و یگان‌های اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آن‌ها.

تبصره ۱- جمع‌آوری اخبار و اطلاعات مربوط به مسائل سیاسی، امنیتی و پیگیری اطلاعاتی آن به عهده وزارت اطلاعات است. چنانچه نیروی انتظامی در حین انجام وظایف محوله به این قبیل اخبار و اطلاعات دسترسی پیدا کند، مکلف است ضمن کسب و جمع‌آوری، آن‌ها را سریعاً در اختیار وزارت اطلاعات قرار دهد. وزارت مذکور موظف است اخبار و اطلاعات مورد نیاز و مرتبط با وظایف نیروی انتظامی را به موقع در اختیار آن نیرو بگذارد.

تبصره ۲- پیگیری اطلاعاتی مواردی از جرائم اجتماعی که با امنیت ملی مرتبط بوده یا قسمتی از یک توطئه یا فعالیت‌های پنهانی با هدف براندازی را تشکیل دهد، با هدایت متمرکز وزارت اطلاعات و همکاری نیروی انتظامی انجام خواهد شد.

تبصره ۳- نیروی انتظامی مکلف است، پرسنل انتظامی مورد نیاز جهت تأمین اهداف اطلاعاتی (کسب و جمع‌آوری) وزارت اطلاعات را در صورت درخواست در کنترل عملیاتی آن وزارت قرار دهد. کیفیت همکاری و نحوه تأمین پرسنل مورد نظر را شورای امنیت کشور معین خواهد کرد.

۵- حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه‌بندی شده غیر نظامی و حفظ حریم آن‌ها به استثناء موارد حساس و حیاتی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

۶- حفاظت از مسئولین و شخصیت‌های داخلی و خارجی در سراسر کشور به استثناء داخل پادگان‌ها و تأسیسات نظامی، مگر در مواردی که بنا به تشخیص شورای عالی امنیت ملی اصل انقلاب و یا دستاوردهای آن در معرض خطر باشد که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

۷- جمع‌آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیر مجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر نگهداری و مصرف مجاز مواد ناریه با هماهنگی وزارت اطلاعات برابر طرح‌های مصوب شورای امنیت کشور.

۸- انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:

الف - مبارزه با مواد مخدر،

ب- مبارزه با قاچاق،

ج- مبارزه با منکرات و فساد،

د- پیشگیری از وقوع جرم،

ه - کشف جرایم،

و- بازرسی و تحقیق،

ز- حفظ آثار و دلایل جرم،

ح- دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آن‌ها،

ط- اجرا و ابلاغ احکام قضایی،

۹- انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرایم.

۱۰- مراقبت و کنترل از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرز نشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها.

۱۱- اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه (به جز گذرنامه سیاسی و خدمت) و ورود و اقامت اتباع خارجی (با هماهنگی وزارت امور خارجه در مورد اتباع خارجی تحت پوشش دیپلماتیک) با هماهنگی وزارت اطلاعات (در مورد ورود و خروج و اقامت اتباع خارجی و صدور گذرنامه).

۱۲- اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزیع و حفظ حریم راه های کشور.

۱۳- اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی.

۱۴- نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب.

۱۵- همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور.

تبصره- نیروی انتظامی با هماهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواقع لزوم می تواند از نیروهای مقاومت بسیج استفاده نمایند.

۱۶- همکاری با دبیرخانه پلیس بین الملل (انترپول).

۱۷- همکاری با وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات و شرکت های دولتی و وابسته به دولت، بانک ها و شهرداری ها در حدود قوانین و مقررات مربوط.

۱۸- همکاری با سازمان های ذیربط در جهت ایجاد و توسعه زمینه های فرهنگی لازم به منظور کاهش جرائم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله.

۱۹- انجام امور امدادی و مردم یاری در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مراجع ذیربط.

۲۰- سازماندهی، تجهیز، آموزش یگان های انتظامی و آماده کردن آن ها جهت اجرای مأموریت های محوله.

۲۱- تأمین و حفاظت تأسیسات، سربازخانه ها و قرارگاه های مربوط.

۲۲- تأمین دفاع هوایی تأسیسات و نقاط حساس مربوط، در حد برد سلاح ضدهوایی، سازمانی، با هماهنگی و کنترل عملیاتی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران.

۲۳- تأمین نیازهای پزشکی پرسنل و اداره بیمارستان ها و درمانگاه های مربوط.

۲۴- تهیه طرح نیازمندی های لجستیکی و اقدام در جهت تهیه و خرید اقلام و خدماتی که از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح به عهده نیروی انتظامی واگذار می گردد. همچنین اقدام جهت خرید املاک و احداث تأسیسات مورد نیاز برابر طرح های مصوب.